

## از دواج در آمبولانس!

گفت‌وگو با پرستار اورژانس فسا که ویدئوی مراسم عقدش در خودروی آمبولانس پر باز دید شد

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

«مراسم عقد ساده زوج جوان اهل فسا در آمبولانس؛ اوایل هفته پیش، فیلمی با این عنوان در شبکه‌های اجتماعی پر باز دید شد. ماجرا از این قرار است که «علیرضا ابطی» و همسرش «مریم رضایی»، زوج جوان اهل استان فارس، زندگی مشترک خود را به مناسبت روز فوریت‌های پزشکی از داخل آمبولانس آغاز کردند. مراسمی ساده و صمیمی که با حضور پدر و مادر و نزدیکان عروس و داماد، کادر درمان و نیروهای اورژانس برگزار شد و بعد از پخش از تلویزیون در فضای مجازی هم واکنش‌های زیادی داشت. بعد از چند روز پیگیری این تکنیسین اورژانس را پیدا کردیم و از شروع زندگی و پیوند آسمانی‌شان در خودروی آمبولانس پرسیدیم.



### ● روابط عمومی اورژانس پیشنهاد چنین مراسمی را داد

علیرضا ابطی رشته پرستاری خوانده می‌گوید: «حدود یک سال و سه ماه است که در اورژانس فسا مشغول کار هستم. همسر من مهندس پزشکی خوانده و به زودی به بیمارستان می‌آید و کارش را شروع می‌کند.» او درباره تصمیمش برای شروع متفاوت زندگی در خودروی اورژانس می‌گوید: «ما هفته پیش عقد کردیم و روز عقدمان به صورت تصادفی به روز فوریت‌های پزشکی نزدیک شده بود. روابط عمومی اورژانس فسا که از دوستان نزدیکم هستند، پیشنهاد دادند حالا که به چهل و ششمین سالگرد اورژانس ایران می‌رسیم یک کار متفاوت انجام بدهیم و شروع زندگی‌مان در آمبولانس باشد. من این پیشنهاد را به همسرم گفتم و او وقتی اشتیاق من را دید، قبول کرد که یک عقد جمع و جور در اورژانس داشته باشیم. او مخالف این کار نبود و به راحتی قبول کرد که چنین مراسم متفاوتی را برگزار کنیم.»

### ● می‌خواستیم به کادر درمان، روحیه بدهیم

علیرضا ابطی درباره دلایلش برای برگزاری چنین مراسمی می‌گوید: «من خودم در اورژانس شاغل هستم و می‌دانم این روزها چقدر بر همکارانم سخت می‌گردد. ما هر روز تعدادی فوتی داریم و مرگ هم وطنان باعث شده بچه‌هایمان حال و هوای خوبی نداشته باشند. تصمیم گرفتیم در این اوضاع نابسامان به همکاران کادر درمان، روحیه بدهیم. جمعه هفته پیش روز اورژانس بود و من و همسر من صبح روز پنجشنبه با هم صحبت کردیم و با موافقت خانواده‌هایمان ظهر همان روز در آمبولانس عقد کردیم.»

### ● فقط خانواده‌های خودمان و نیروهای اورژانس حضور داشتند

این تازه داماد اهل استان فارس ادامه می‌دهد: «فکر نمی‌کردیم مراسم عقدمان این همه دیده شود. آن روز، بچه‌های روابط عمومی فیلم عقد ما را برای خبرگزاری فارس ارسال کردند تا در رسانه‌شان منتشر کنند اما من و همسر من اصلاً تصور نمی‌کردیم در کشور فیلم مراسم‌مان پخش شود. در مراسم عقد، مادر و پدرها و خواهر و برادرهایمان حضور داشتند و ما به صورت تلفنی به بزرگ‌ترهای فامیل مثل عمو، خاله و عموها گفتیم که چنین برنامه‌ای داریم و به خاطر شرایط کرونا نمی‌توانیم آن‌ها را دعوت کنیم. البته کار عجیبی هم نکردیم. در این یکی دو سال، بسیاری از همکاران و دوستانم از دواج کردند و فقط خانواده خودشان در مراسم حضور داشتند.»

### ● برای شهرت چنین کاری نکردیم

تازه داماد شیرازی ادامه می‌دهد: «تنها دلیلی که نداشتیم و اصلاً به آن فکر نکردیم «دیده شدن» بود. نه من و نه همکاران روابط عمومی اورژانس هیچ دلیلی برای دیده شدن نداشتیم. ما می‌خواستیم قدر دانی کوچکی از کادر درمان کرده باشیم و به آن‌ها انرژی بدهیم. وصلت و ازدواج هم خبر خوبی است که همه را خوشحال می‌کند.»

### ● عقد متفاوتی داشتیم و هدایای متفاوتی گرفتیم

او درباره بازخوردها و بازتاب فیلم عقدش می‌گوید: «این فیلم، اول از شبکه استانی و بعد هم از شبکه ۳ تلویزیون پخش شد. بعد از آن بود که همه کانال‌ها، صفحه‌های خبری و غیر خبری فضای مجازی فیلم‌مان را پخش کردند. من و همسر من طی دو سه روز گذشته هربار که به سراغ اینستاگرام می‌رفتیم، مدام فیلم خودمان را می‌دیدیم که در جاهای مختلفی منتشر شده است. بعد از انتشار فیلم عقدمان چندین نفر از مسئولان اورژانس و حتی وزارت کشور و... تماس گرفتند و از کارمان قدر دانی کردند. مثلاً رئیس اورژانس کشور تماس گرفت و به عنوان هدیه از دواج‌مان کمک هزینه خرید وسایل منزل را به ما داد که اول زندگی کمک‌مان می‌کند. همسر من پیش از ازدواج گفته بود دوست دارد اولین سفر زندگی مشترک‌مان، سفر به مشهد باشد. جالب این جاست که مدیر اورژانس فسا هم به صورت اتفاقی این هدیه را به ما داد و من و همسر من به زودی به مشهد می‌آییم.»

### ● هستشکنی کردیم و بعضی‌ها انتقاد کردند

این تکنیسین اورژانس ادامه می‌دهد: «کسانی که من را می‌شناسند وقتی من و همسر من را می‌بینند، می‌گویند که کار قشنگی انجام دادید. البته چند نفر هم گفتند که برای دیده شدن و شهرت به سراغ چنین کاری رفتید. کاری که ما انجام دادیم یک سنت شکنی بود. وقتی رفتار عرفی جامعه را انجام نمی‌دهید یک سری حمایت و یک سری هم مخالفت و انتقاد می‌کنند. نیت ما روحیه دادن به همکاران کادر درمان بود و خدا را شکر موفق هم شدیم.»

# به یاد ققنوس دهه هشتادی

به بهانه در گذشت «علی لندی»، از روایت آن ماجرا به زبان عمویش

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی و معرفی چند

قهرمان دهه هشتادی دیگر گفتیم



خانه‌ای در ایده آتش گرفت و شاید کمتر کسی توقع داشت یک نوجوان ۱۵ ساله پیش از رسیدن نیروهای امداد رسان و آتش‌نشان به محل با فداکاری به دل آتش برزند و با دست خالی برای نجات جان دو نفر از همسایه‌هایش تلاش کند. «علی لندی»، نوجوان دهه هشتادی دو خانم همسایه را باز حمت بسیار و با جابه جا کردن پیک نیک نجات می‌دهد اما خودش دچار ۹۱ درصد سوختگی می‌شود. او که نزدیک به یک هفته در بیمارستان بستری بود، روز گذشته آسمانی شد. دکتر جمشید نمازی‌راد، پزشک معالج او در همین باره گفته است: «سیر بیماران سوانح سوختگی به گونه‌ای است که حالشان روز به روز بدتر می‌شود و وسعت سوختگی علی زیاد و عمیق بود. علی از چهارشنبه حال عمومی مساعدی نداشت و تنفسش به سختی انجام می‌شد، در نهایت عفونت وارد خونش شد. سپس اندام‌های بدنش یکی یکی از کار افتاد مانند کلیه و ریه که دچار مشکل شدند و در نهایت این نوجوان ۱۵ ساله فوت شد.» (منبع: باشگاه خبرنگاران). در پرونده امروز زندگی‌سلام، بخش‌هایی از گفت‌وگوی مان با عموی علی را که ۲۵ شهر یور در صفحه خانواده و مشاوره چاپ شد، مرور خواهیم کرد و تعدادی از واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی و تصمیم این قهرمان را که به او لقب ققنوس و قهرمان داده‌اند، خواهیم خواند. همچنین با چند نوجوان دهه هشتادی دیگر آشنا خواهیم شد که فداکاری‌هایشان در چند سال اخیر، خبرساز شده است.

## مودب و آرام بود و اهل کمک به دیگران

محمود لندی، عموی علی چند روز قبل از فوت این قهرمان دهه هشتادی به ما چه گفت؟

عموی او یک هفته پیش امید زیادی به بهبود پسر برادرش داشت و به ما گفته بود: «علی الان در بیمارستان سوانح و سوختگی امام موسی کاظم اصفهان در بخش آی‌سی‌وی بستری است. علی ۹۱ درصد سوختگی در نواحی مختلف از سر و صورت تا کمر و دست و پاها دارد. فقط مادرش امکان رفتن پیش او را پیدا کرده تا بیقراری‌اش کم شود. پزشک‌ها منتظر هستند به شرایط پایدار برسد تا بتوانند عمل‌های جراحی را شروع کنند. امید ما به هر حال به خداست.»

### ● علی با پای برهنه رفت در دل آتش

او درباره جزئیات حادثه گفته بود: «علی آن روز عصر، خانه خاله‌اش پیش پسر خاله و دختر خاله‌اش که همسن و سالش هستند، مهمان بوده است. خاله علی به بازار رفته بود. حوالی ساعت ۱۸ از خانه همسایه مجاور که در یک مجتمع آپارتمانی بوده اند صدای جیغ و فریاد شنیده می‌شود. آن‌جا می‌بیند زن میان سال و مادرش که زن مسن حدود ۸۰ ساله‌ای بوده، دچار آتش‌سوزی شده‌اند. علی که همان‌طور پاره‌پاره خودش را به آن‌جا رسانده، متوجه پیک نیک می‌شود که یکی دو متر ارتفاع شعله داشته و جان او دو نفر را به خطر انداخته است. علی پیک نیک را برمی‌دارد که از آن دو نفر دور کند. آن‌را به سمت تراسی که باز بوده می‌اندازد. حین این کار گاز مایع روی خودش هم می‌ریزد

و علی هم دچار حریق می‌شود.

### ● کسی آن جان‌نیده که به داد

### ● علی برسد

عموی علی ادامه می‌دهد: «علی اولین کسی بوده که خودش را به آن‌جا رسانده است. بعد از علی، همسایه طبقه بالا به محل حادثه رسیده و به کمک پتو توانسته آتش خانم مسن را خاموش کند. خانم میان سال هم که صورتش سوخته از آتش نجات پیدا می‌کند اما کسی نبوده به داد علی برسد. پسر خاله و دختر خاله‌اش هم که همسن علی بوده‌اند

## قهرمان‌های دهه هشتادی

رسم متداولی وجود دارد که نسل‌های قبل‌تر سبک زندگی نسل‌های جدیدتر را کمتر جدی می‌گیرند و برای صحبت از ایثار و فداکاری‌ها از نسل‌های قبل مثال می‌آورند. غافل از آن که در بین همین نسل دهه هشتادی و جدیدتر هم نوجوان‌ها و جوان‌هایی هستند که به همه نسل‌ها درس انسانیت و از خودگذشتگی می‌دهند. در ادامه چند نفر از آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

### ● ریز علی فداکار خراسانی | داستان واقعی دهقان فداکار از درس‌های به یاد

ماندنی همه ما بوده که همیشه برای ما نماد فداکاری و از خودگذشتگی برای همنوع بوده است. اما ۵۳ سال بعد از این واقعه هم این بارپسری ۱۴ ساله مشابه آن را تکرار کرد. محمد مهدی عباسی، نوجوان ۱۴ ساله، دهقان فداکار کوچک از اهالی روستای شفیق آباد شهرستان جغتای از توابع خراسان رضوی است. محمد مهدی مشغول بازی فوتبال بوده که با یک شوت محکم توپ‌شان روی ریل راه‌آهن می‌افتد. او در این لحظه متوجه ریل شکسته می‌شود که می‌توانست حادثه تلخی را رقم بزند. محمد مهدی که می‌دانست قطار تهران-مشهد روزی دوبار از این منطقه می‌گذرد به سرعت خودش را به خانه می‌رساند و موضوع را به مادرش اطلاع می‌دهد. با تماس تلفنی مادرش و اعزام نیروهای تعمیر ریل راه‌آهن از حوادث جانی احتمالی جلوگیری می‌شود.

### ● ایثار خواهرانه زیر آبان ۹۶: زلزله‌ای به بزرگی ۷/۳ ریشتر حوالی از گله

وسریل ذهاب ادر استان کرمانشاه لرزاند. هانیبه زیدانبخش نوجوان ۱۱ ساله که یکی از اهالی روستایی در سریل ذهاب بود، در لحظه زلزله نوی حیاط‌شان مشغول بازی بود. او با وقوع زلزله و خراب شدن خانه‌شان به سرعت خودش را پیش خواهر سه ساله‌اش هدی رسانید تا او را نجات دهد. همین‌طور هم شد و هدی به سلامت از زیر آوار نجات پیدا کرد. اما در این حادثه هانیبه خودش دچار ضایعه نخاعی شد. باتلاش پزشکان چند ماه بعد هانیبه دوباره توانست امکان راه رفتن پیدا کند. او درباره عمل فداکارانه‌اش گفته بود: «خیلی‌ها از من می‌پرسند چشمانم نشد از این که جانم را به خطر انداختم؟ راستش بعضی وقت‌ها از این که فعلاً نمی‌توانم راه بروم ناراحت می‌شوم اما می‌دانم که به زودی خوب می‌شوم. به علاوه خوشحالم که توانسته‌ام خواهرم را نجات دهم. حسن یک نوجوان قهرمان را دارم.»

### ● ناجی پسر دایی از غرق شدن | خرداد امسال، یک نوجوان ۱۷ ساله که همراه پسر دایی هفت

ساله خود، با هدف چرای گوسفندان به اطراف روستای اسفل شهرستان جهرم رفته بود، پس از آن که پسر دایی‌اش را از غرق شدن نجات داد، خودش غرق شد و جان باخت. بر اساس گزارش‌ها و اظهاراتی که شاهدان عینی درباره این حادثه اعلام کرده بودند، کودک هفت ساله بر اثر بی احتیاطی درون یک استخر سقوط می‌کند. پسر عمه او که جان کودک را در خطر می‌دید، درون آب رفت و جان پسر دایی هفت ساله‌اش را نجات داد اما خودش به دلیل آشنایی نبودن با فنون شنا، قربانی این حادثه تلخ شد.



روزنامه خراسان